

موضوعات پژوهشی در اولویت علوم اجتماعی زنان در ایران^۱

سمیه سادات شفیعی*

چکیده

مقاله حاضر به اولویت‌یابی پژوهشی علوم اجتماعی زنان اختصاص دارد. اولویت‌یابی برآمده از تجربه کار میدانی اعضای اجتماع علمی این عرصه جوان تخصصی، ضمن توجه به چگونگی تداوم انباشتگی علوم اجتماعی زنان و نیز روشن‌سازی ابعاد پژوهشی مسیر طی‌شده، با نگاه به پرسش‌هایی که در این حیطه در ایران مطرح نشده یا بی‌پاسخ مانده‌اند دستاوردهای سودمندی دارد.

بنابراین، این تحقیق کوشیده تا از رهگذر مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته با پژوهش‌گران متخصص علوم اجتماعی به گردآوری اولویت‌های موضوعی آنان همت گمارد؛ اولویت‌هایی که ناظر به ارزیابی پژوهش‌های انجام‌شده در حکم بخشی از ساختار علمی این حیطه و نیز درک مقتضیات کنونی جامعه ایران از منظر ایشان است.

یافته‌ها نشان می‌دهد متخصصان با درک تغییرات اجتماعی پرسرعت چند دهه اخیر و تحول کرد و کارهای جنسیتی بر موضوعاتی چون سیاست‌گذاری‌ها، اشتغال، تفکیک جنسیتی، خانواده، آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی، سبک زندگی، مهاجرت، مطالعات فرهنگی زنان و مطالعات نظری تأکید دارند.

کلیدواژه‌ها: پژوهش علوم اجتماعی زنان، سیاست‌گذاری، تفکیک جنسیتی، خانواده، سبک زندگی، مطالعات زنان.

۱. طرح مسئله

اولویت‌یابی موضوعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون علم از جمله مواردی است که در

* استادیار پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ss.shafiei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۰

حوزه علوم پایه و نیز علوم انسانی در ایران به فراخور مطرح شده است^۲، در حالی که در حوزه پژوهش و مطالعات زنان جای خالی آن به شدت محسوس است؛ زیرا با وجود پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده ذیل حوزه مطالعات زنان و نیز پژوهش‌های جسته و گریخته در سایر حوزه‌های علوم اجتماعی، مشخص نیست این پژوهش‌ها بیش‌تر حول چه محورهایی انجام شده و چه پرسش‌های پژوهشی‌ای هم‌چنان بی‌پاسخ مانده‌اند؛ به عبارت دیگر، چه موضوعاتی هم‌چنان مسئله علوم اجتماعی زنان است و با اتخاذ رویکرد سیاست‌گذارانه، چه حیطه‌هایی از این علم هم‌چنان مغفول مانده است. حال آن‌که اشراف مطالعاتی بر آن‌ها موجبات سیاست‌گذاری‌های کارآمد و مؤثرتر را در پی دارد. بنابراین، لازم است ضمن مشارکت پژوهش‌گران این عرصه در مقام تولیدکنندگان علم، آرا و اندیشه‌ها و تجاربشان گرد آمده و امکان برقراری رابطه مؤثر میان فعالیت‌های پژوهشی‌شان با یکدیگر نزد پژوهش‌گران مخاطب میسر شود. استخراج اولویت‌های موضوعی آتی با چشم‌اندازی میان‌مدت (پنج ساله)، در کنار تجویزات و توصیه کارشناسان و پژوهش‌گران متخصص، با آگاهی بخشی به مخاطبان دانش‌آموخته و پژوهش‌گران مترصد این حوزه موجب می‌شود در هنگام انتخاب موضوع پژوهش با اشراف کافی بر حیطه‌های مطالعاتی، به موضوعات کم‌تر مطرح‌شده بپردازند و نیز ضمن پرهیز از دوباره‌کاری، با حفظ مشارکت علمی و جریان انباشتگی علم، در نهایت به هم‌افزایی مطالعات بینجامند.

بنابراین، این تحقیق با هدف استخراج اولویت‌های پژوهشی مرتبط با زنان در حوزه علوم اجتماعی و تهیه موارد معتبر و رسیدن به پرسش‌های مهمی که در پژوهش زنان در حیطه علوم اجتماعی هم‌چنان بی‌پاسخ مانده‌اند و تحقیق بر روی آن‌ها، که موجب مشارکت در علم می‌شود، انجام شده است.

بدین منظور، مصاحبه با متخصصان در قالب مطالعه‌ای علمی و روش‌مند به انتقال تجارب مربوط به انجام پژوهش و تولید دانش بومی می‌انجامد و با درک نیازهای پژوهشی فعلی و آتی، ضمن طرح مباحث نظری راه‌گشای ابعاد کشف‌نشده علوم اجتماعی زنان در حکم ساختاری علمی است.

۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر، به روش کیفی بر اساس مصاحبه با خبرگان امر انجام شده است. موزر و ناگل (۲۰۰۲) مصاحبه با متخصصان را نوعی مصاحبه نیمه‌استاندارد می‌دانند. در این‌جا به

مصاحبه‌شونده نه در مقام (کل یا) شخص، بلکه به قابلیتش در نقش متخصص در حوزه‌ای خاص توجه می‌شود و متخصصان نه به منزلهٔ موردی منفرد، بلکه در مقام نمایندگان گروهی از متخصصان خاص در نمونه گنجانده می‌شوند (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۸۳).

مصاحبهٔ نیمه‌استاندارد به کمک پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته میسر شده است. پرسش‌های پرسش‌نامه مبتنی است بر ادبیات علمی دربارهٔ موضوع و نیز پیش‌فرض‌های نظری محقق. بنابراین، فضای کلی کار بر روی طرح ایده‌های جدید در هر مواجههٔ مصاحبه‌کننده با متخصصان گشوده است. بر این اساس، هرچند پرسش‌های اصلی محور پژوهش کیفی است، اما هر مصاحبه بر حسب یافته‌هایش، باید مضامینی را برای طرح پرسش در حین مصاحبه و نیز در مصاحبه‌های بعدی با خود داشته است.

جامعهٔ آماری این تحقیق، بر اساس معیارهایی از سایرین متمایز و در نهایت متشکل شده است. از جملهٔ این معیارها، داشتن مدرک دکتری در رشتهٔ علوم اجتماعی، داشتن مقالهٔ علمی پژوهشی در حوزهٔ زنان، تمرکز مداوم بر موضوع زنان بر اساس رزومهٔ کاری یا اذعان شخصی به تمرکز بر این حوزهٔ تخصصی مطالعاتی بر حسب علاقه و نیز شهرت فرد به این مهم بر حسب شناخت سایر مطلعان این حوزه است.

برآورد اولیهٔ جامعهٔ آماری نشان‌دهندهٔ تعداد کم متخصصانی بود که ویژگی‌های مذکور را داشتند. بر این اساس و از آن‌جا که برای جوامع کوچک پوشش کامل (سرشماری) بهترین انتخاب است (سرایبی، ۱۳۷۵: ۹)، پژوهش به صورت تمام‌شماری انجام شد و هرچند بر اساس پیش‌بینی اولیه گمان می‌رفت با حدود پانزده نفر از متخصصان مصاحبه انجام شود، اما در نهایت، به دلیل تمایل نداشتن به همکاری اطلاع‌رسان‌ها، با ده نفر از متخصصان پژوهش‌گر حوزهٔ علوم اجتماعی زنان مصاحبه انجام شد.

۳. یافته‌ها

در تحقیق حاضر، متخصصان جمعیت‌شناس، جامعه‌شناس، انسان‌شناس و در مجموع، یک استاد، سه دانشیار و شش استادیار شرکت داشته‌اند. در ادامه، ضمن ارائهٔ داده‌های گردآوری‌شده از مصاحبه‌ها، مقولات اصلی اولویت‌های پژوهشی علوم اجتماعی زنان ارائه شده‌اند.

۱.۳ اولویت‌های پژوهشی

برخی از متخصصان اطلاع‌رسان، در بخش پیش‌درآمد بحثشان، به تغییرات اجتماعی اشاره

داشته‌اند که معادلات اجتماعی جنسیت را تا اندازه زیادی دگرگون کرده است که خود در قالب موضوع پژوهشی درخور بررسی است. نتیجه چنین نگرشی، وقوف به شکاف‌های جنسیتی و درک نابرابری‌هایی است که به پشتوانه برخی قوانین و سیاست‌گذاری‌ها، محدودیت ایجاد می‌کند و خود به مثابه نوعی اعمال قدرت، عاملان را به عمل در میدان‌هایی وامی‌دارد که چندان رغبتی بدان ندارند.

۱.۱.۳ سیاست‌گذاری‌ها

یکی از اولویت‌های پژوهشی بررسی و مطالعه چرایی، چگونگی و کارکرد تداوم رژیم سیاسی-اجتماعی^۳ حیطه جنسیت و سیاست‌گذاری آشکار و پنهان مرتبط یکی از اولویت‌های پژوهشی است:

موضوع سیاست‌گذاری دولت است؛ یعنی آنانی که بالا نشسته‌اند دارند کارهایی را انجام می‌دهند با قوانینی که هم به حوزه خصوصی برمی‌گردد و هم به حوزه عمومی؛ مثلاً مشاغل حذف می‌شوند. زنان در بعضی مشاغل استخدام نشوند، در برخی از رشته‌ها درس نخوانند. این یعنی رانده شدن دیگر! این سیاست‌گذاری وجود دارد که این‌ها را به خانه بفرستند. این موضوع مطالعاتی الان برای من خیلی اولویت دارد (متخصص اول).

من یک مقاله در مورد عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر نگرش شهروندان تهرانی به هویت زن مسلمان کار کردم؛ یعنی این‌ها زن مسلمان را چگونه ترسیم می‌کنند. جالب است بدانید که الان مردم تهران فکر می‌کنند که یک زن مسلمان باید فعالیت اجتماعی داشته باشد و می‌تواند به مراتب بالای مدیریت هم برسد. نقش‌های خانوادگی برایش مهم است و باید این‌ها را داشته باشد. متنها هنوز بین جایگاه سیاسی زن و مرد تفاوت قائل‌اند و معتقدند زن به لحاظ پتانسیل‌های سیاسی با مرد تفاوت دارد. من در تحلیل‌هایی که کردم، حالا این‌طور نیست که قرآن این‌طور می‌گوید؛ چون در قرآن مسئله ملکه سبا حاکم بوده است و به نیکی هم از آن یاد می‌شود. در حالی که به نظر من فرصت فعالیت‌های سیاسی به زن داده نشده است تا بتواند خود را در این عرصه‌ها رشد دهد. حتی الان در دولت جدید هم ببینید که همان پست‌های حاشیه‌ای به زنان داده شده است. انگار هنوز باور ندارند (متخصص چهارم).

۲.۱.۳ خانواده

از دیگر محورهای اصلی، که اولویت‌های پژوهشی متفاوتی را هم از بعد کارکرد، هم از بعد تشکیل آن و هم از بعد بقا ایجاد می‌کند خانواده است.

الف) کارکرد خانواده در راستای حفظ مناسبات اعضا، تعهد به انجام وظایف، گرایش و ترجیحات اعضا و عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تحول گرایش‌های آن‌ها، حیطه مطالعاتی شایان بررسی است.

من فکر می‌کنم یکی از حوزه‌های مهم ازدواج است و دیگری خانواده. این‌که چه اتفاقی در خانواده در جریان است؟ چه تعاملاتی بین زن، شوهر، فرزندان و حتی نسل بالاتر از آن‌ها وجود دارد که مثلاً ما می‌گوییم خانواده‌های ایرانی یک یا دو بچه می‌خواهند؟ چون یکی از اتفاقاتی است که در حوزه خانواده‌ها دارد می‌افتد و در همه ابعاد که برای ما مهم است، تأثیر می‌گذارد. این است که در خانواده چه اتفاقی می‌افتد؟ چه در خانواده هسته‌ای، که پدر، مادر و بچه‌ها در یک خانه هستند، و چه خانواده شبکه‌ای خویشاوندی‌شان. چه اتفاقاتی دارد می‌افتد؟ چه چیزهایی روی درک این‌ها از خواسته‌هایشان تأثیر می‌گذارد؟ (متخصص سوم).

توجه به کارکرد خانواده در حکم کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، که کارکرد بازتولید و جامعه‌پذیری اعضا در همه جوامع را به عهده دارد، امروزه از شکل صوری‌اش، که مبتنی است بر تعاریف آماری و شرط سکونت در واحدی مسکونی در شکل خانوار (household)، متمایز شده و خود بستر ساز حوزه‌های جدید مطالعاتی است؛ هم‌خانگی یا هم‌بالینی (cohabitation) که منظور از آن زندگی مشترک دو شریک جنسی همراه با رابطه صمیمی و عاطفی بدون ازدواج قانونی با یک‌دیگر است (گیدنز، ۱۳۷۶: ۷۹۵). درباره زمینه‌های ظهور این نوع خانواده باید گفت که تغییرات اجتماعی و فرهنگی موجب افزایش فردگرایی و نیز ترویج آزادی جنسی در غرب شده و با از بین بردن قبح رابطه جنسی پیش از ازدواج، به تسهیل روابط دختر و پسر در قالب فرهنگ انجامید. متخصص دهم با طرح موضوع هم‌خانگی و ضرورت پرداختن به آن در حکم اولویت پژوهشی، با دوراندیشی ابعاد جنسیتی این پدیده و نیز پیامدهایش را در حکم اولویت پژوهشی مطرح می‌کند:

به ضرر زنان است دیگه. پسرها از خدایشان است که یک زنی بیاید تنها با آن‌ها زندگی کند. مفت و مجانی بهشان سرویس بدهد. یک دختر شانس ازدواجش را از دست می‌دهد. باروری‌اش را از دست می‌دهد. اگر هم بارور بشود که دیگر آن بچه واویلاست. خب این‌ها مسائلی است که باید مطالعه شود (متخصص دهم).

ب) از بعد شکل‌گیری، خانواده با ازدواج (پدیده‌ای اجتماعی) مرتبط است. ازدواج برقراری ارتباط رسمی و قانونی میان زن و مرد است. در بیش‌تر نقاط دنیا این ارتباط، هم‌کاری و برقراری ارتباطات جنسی بر اساس هنجارهای تأییدشده، بارداری و به دنیا آوردن بچه را شامل می‌شود. سن ازدواج در مطالعات اجتماعی فاکتور تعیین‌کننده‌ای است؛ از جمله ازدواج زود هنگام ممکن است به اندازه بالا رفتن سن ازدواج و بلکه بیش‌تر از آن بحران‌زا باشد. از منظر برخی متخصصان، برخی پیامدهای ازدواج زودرس عبارت است از افزایش بی‌سوادی و کم‌سوادی زنان، حاملگی در سنین پایین، چندزنی، فرار از خانه و خودکشی.

۸۰ موضوعات پژوهشی در اولویت علوم اجتماعی زنان در ایران

ازدواج در سنین پایین یکی از ریشه‌های فحشاست؛ چون دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند یا این که بدسرپرست‌اند، که اگر این‌طور نبود، در سن پایین ازدواج نمی‌کردند و یا این که به دلیل اختلاف سنی زندگی ناموفقی خواهند داشت. به خاطر این که معمولاً این‌ها را می‌فروشند، به جای این که ازدواج کنند؛ یعنی راه خیلی نزدیکی است به اعتیاد و فحشا. مثلاً این‌ها به مردان معتاد فروخته می‌شوند (متخصص دوم).

مطالعات نشان می‌دهد که زنی که زود ازدواج کند به این علت که خیلی زود از تحصیل و توانمندی به دور می‌افتد، بیش‌تر در معرض خشونت قرار می‌گیرد تا زنی که زمانی ازدواج می‌کند که تحصیل کرده باشد، شغل داشته باشد. این‌ها همه باید مطالعه شود. بعد هم منتقل شود به سیستم حقوقی تا یک مقداری از این خشونت‌ها کاسته شود (متخصص هفتم).

افزایش سن ازدواج نیز موضوعی است که در قیاس با کاهش سن ازدواج، افراد بسیار بیش‌تری را درگیر خود کرده است؛ هرچند این گسترده‌گی پیامدهای عمیقاً آسیب‌زای ازدواج در سنین پایین (با وجود قلت وقوع) را در پی ندارد.

ازدواج هم زیرمجموعه‌ای از همین است. حالا چه اتفاقی افتاده است که متوسط سن ازدواج پسران ما در استان تهران به ۲۹ سال و در دختران به ۲۵ سال رسیده است؟ چرا؟ من می‌گویم ما نمی‌توانیم این سؤال را جواب بدهیم، جز این که خانواده‌هایی را که این بچه‌ها در آن بزرگ شده‌اند، جامعه‌ای که این بچه‌ها را پرورش داده است بتوانیم بشناسیم. این‌ها را ما با مطالعات پراکنده جزیره‌ای نمی‌توانیم بشناسیم. برای همین است که ما الان سردرگم هستیم که اگر بخواهیم سیاست جمعیتی بنویسیم چه کار کنیم؟ کجا را بگیریم؟ نمی‌دانیم. اهمیتشان را نمی‌دانیم و شناخت دقیقی از آن‌ها نداریم (متخصص سوم).

مطالعه وضعیت ازدواج منحصر به الگوهای زندگی شهری نیست؛ بلکه بخشی از پژوهش‌های آتی باید متوجه ازدواج دختران روستایی نیز باشد:

مشکل من [این است که] سن ازدواج خیلی در روستاها بالا رفته است. به خاطر این که شانس و فرصت ازدواج ندارند. باروری آمده پایین. مردها مهاجرت کرده‌اند. این دختران روستایی، که شغلی هم ندارند، تحت پوشش و سرپرستی پدرشان هستند و بعد برادرشان. خب این‌ها موقعیت‌های خطرناکی در آینده خواهند داشت (متخصص دهم).

متعه، نکاح منقطع یا ازدواج موقت، که به صیغه معروف است، نیز به منزله یکی از اشکال ازدواج، که البته در عرف مطرود دانسته شده، از جمله موضوعاتی است که از بعد چرایی، چگونگی، پیامد، سنخ‌شناسی، روندهای عام و نیز رابطه آن با پدیده تعدد زوجات، که در جامعه‌شناسی نوعی چندهمسری دانسته می‌شود، و هم‌چنین شأن اجتماعی زن، نیازمند مطالعه تخصصی است.

شما صیغه را قبول کردید؟ خوب باشه. روابط شرعی و منطقی باشه. خوب اشکالی ندارد، اما هیچ دختر باکره‌ای که نمی‌آید صیغه شود. ممکن هم هست با صیغه بروند هزار نوع کار بکنند، اما از نظر اجتماعی، یک مسئله اجتماعی است که عرف نمی‌پذیرد. خوب ما بیاییم سراغ این برای مطالعه (متخصص دهم).

فرزندآوری در حکم یکی از کارکردهای خانواده و ضامن بقای نسل مطرح است. شاید مهم‌ترین تغییر جامعه‌شناختی در طول سه دهه گذشته، کاهش چشم‌گیر باروری در بیش‌تر نقاط دنیا بوده است. در ایران نیز باروری کاهش شایان توجهی یافته است که می‌توان آن را حاصل موفقیت برخی مسائل دانست؛ از جمله برنامه‌های تنظیم خانواده، تحول متغیرهای مدرنیزاسیون، مانند کاهش میزان بی‌سوادی عمومی، باسوادی و بالا رفتن سطح تحصیلات زنان، بالا رفتن میزان شهرنشینی، افزایش خدمات بهداشتی و درمانی و در نتیجه، کاهش مرگ و میر کودکان زیر پنج سال و افزایش امید به زندگی، ارتقای آگاهی‌های اجتماعی، کاهش ازدواج زودرس، دسترسی بیشتر به امکانات و خدمات زیربنایی، افزایش هزینه معاش و فشارهای اقتصادی (کاظمی پور، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

ذیل سرفصل مذکور، سقط جنین نیز موضوع پژوهشی درخور تأملی است. مطالعات نشان می‌دهد:

با توجه به جوانی جمعیت ایران، تغییر نگرش زنان در مورد بعد خانوار، به تعویق انداختن فرزندآوری، نبود والدین در اوقات زیادی از روز در خانواده، تأثیر محدودیت‌های قانونی در روند شکل‌گیری سقط غیربهداشتی وضعیت خاصی را به وجود آورده که نیازمند توجه و بررسی میدانی است. چه‌بسا از دید برخی از کارشناسان، این وضعیت تغییراتی در سیاست‌های قانونی را با بهره‌گیری از مفهوم سلامت از دیدگاه سازمان بهداشت جهانی می‌طلبد تا شاهد کاهش چشم‌گیر سقط‌های غیربهداشتی باشیم (بهجتی و دیگران، ۱۳۸۴: ۶-۷).

یا مثلاً سقط جنین هم از این موضوعاتی هست که نه علتش کامل معلومه. علت این است که بچه را نمی‌خواهند یا این‌که خارج از ازدواج بوده است، یا نوجوان بوده و [مکتب] [علتش] را نمی‌دانید. اگر آدمش را هم پیدا کنید جواب درست به شما نخواهد داد؛ چرا که می‌ترسند، سقط را مخفیانه انجام می‌دهند. مثلاً من در اخبار خواندم چند هزار سقط غیرمجاز در کشور. این خیلی مهم است؛ هم به عنوان رفتار جمعیتی و هم در رابطه با آرامش زندگی اجتماعی؛ چون ممنوع است، آدم‌ها با تنش این کار را انجام می‌دهند. همیشه با نگرانی و استرس و احساس خطر این کار را انجام می‌دهند و خیلی وقت‌ها اگر از دید زن‌ها نگاه کنی، خیلی مشکلات بعدی برای زنان دارد. عواقب روانی، اجتماعی، جسمی دارد. این‌ها هم حوزه‌های مهمی برای سلامت جمعیت است و هم قابل مطالعه نیستند (متخصص هفتم).

۳.۱.۳ اشتغال

از نظر متخصصان پژوهش حاضر، مهم‌ترین عرصهٔ تداوم تبعیض جنسیتی اشتغال است؛ هرچند بی‌کاری موضوعی کلی و چالش اقتصادی - اجتماعی عامی در ایران است: «به طور خاص به نظرم مشکل عمده‌ای که کشور دارد، مشکل بی‌کاری است. مشکل بی‌کاری به نظر من، بزرگ‌ترین مشکلی است که مردم ایران دارند»^۴ (متخصص نهم). با وجود این نابرابری، فرصت‌های موجود اشتغال در امتداد تصمیم‌گیری‌های کلان تعریف شده و نتوانسته تخصص، مهارت، پتانسیل‌ها و استعدادهای سرگردان زنان در مقام نیمی از جمعیت کشور را جذب کند و کشور را از فواید به‌کارگیری آنان منتفع سازد:

الان یک بحثی وجود دارد که می‌گویند جمعیت ما در حال کم شدن است. این بحث درست نیست. این‌که جمعیت ما کم می‌شود و متعاقباً نیروی کار ما هم کم می‌شود. غافل از این‌که در حال حاضر حدود ۹۰ درصد زنان ما در خانه هستند و اصلاً کار نمی‌کنند. خوب شما از همین ۹۰ درصد استفاده کنید، تا سال‌ها نیروی کارتان تأمین می‌شود. این چیزها هست. ما در کل موقعیت زنان را در نظر داریم. آن تفسیرهای سنتی و دولتی و این چیزها مد نظرمان نیست. در استانداردهای بین‌المللی هم یک چنین تعریفی دارند. اگر این برابری‌ها بیش‌تر توسعه پیدا کند، جامعه هم بیش‌تر توسعه می‌یابد. و توسعهٔ زنان هم کمک بیش‌تری به توسعهٔ مردان می‌کند؛ چرا که در جامعه باید تعادل باشد (متخصص هفتم).

شما وقتی نگاه می‌کنی یا تحلیل محتوا می‌کنی، سخنان رئیس‌جمهور را یا هر سازمانی که مربوط به زنان بود در دورهٔ قبل را می‌بینی که تأکید روی نقش مادری بود، خانواده، زایمان و بچه‌دار شدن. خوب بی‌خود نیست که این حرف‌ها می‌آید. خوب می‌روی وضعیت بی‌کاری و تورم اقتصادی جامعه را می‌بینی و می‌بینی که نیاز هست که یک‌سری از آدم‌ها کنار گذاشته شوند. خوب یک هم‌خونی این‌جا پیدا می‌شود... ببینید اصلاً خودش تبدیل می‌شود به یک گفتمان اجتماعی فرهنگی... در کشورهایی که مهاجرپذیرند این موضوع اتفاق می‌افتد در میان مهاجران. چون تورم و وضعیت اقتصادی بد است خانم‌ها را کنار می‌گذارند. خوب ما به آن شکل مهاجرپذیر نیستیم، اما این اتفاق مدام در مورد خانم‌ها می‌افتد که کنار گذاشته می‌شوند. یا این‌که می‌بینی این درس‌های تنظیم خانواده در دانشگاه‌ها کم‌رنگ می‌شود و کنار گذاشته می‌شود. خوب چرا؟ وقتی بررسی می‌کنی می‌بینی که الان وقت زایدنه، وقت کار کردن نیست! (متخصص ششم).

۴.۱.۳ تفکیک جنسیتی

تفکیک جنسیتی در حیطه‌های غیررسمی عرصهٔ عمومی از جملهٔ دیگر قلمروهای تداوم رژیم سیاسی اجتماعی حاکم بر حیطهٔ جنسیت است. این موضوع تا اندازه‌ای پیامد نگرش

تعلق زن به عرصه خصوصی است که به فراخور دولت‌ها، قدرت نیروهای فشار و دغدغه افراد و گروه‌های ذی‌نفوذ چنین برداشتی از آن می‌شود و در دوره‌های مختلف، اهمیت و جنبه‌ای لازم‌الاجرا می‌یابد. اجرای این سیاست در اغلب موارد با امکان‌سنجی و نیز ارزیابی نتایج در شکل مطالعه میدانی گرایش کنش‌گران به ماهیت موضوع، نحوه اجرا و تدابیر کنشی آنان در زمان مواجهه همراه نیست. حال آن‌که این موضوع از منظر متخصصان علوم اجتماعی مشارکت‌کننده در این طرح مطالعات جدی را می‌طلبد. به‌ویژه آن‌که سیاست تفکیک جنسیتی سابقه اجرا داشته است و هرچند امروز در برخی موارد بدیهی انگاشته می‌شود، اما از نظر اطلاع‌رسان‌ها جای بررسی دارد.

ببینید یک تعداد زیادی از این بحث‌ها به خاطر این محدودیت‌هاست که کلاس‌های دخترها و پسرها جدا می‌شود. این‌ها انحرافات اجتماعی را افزایش می‌دهد. چرا؟ چون یک دختر و پسر جوان توی یک کلاس دانشگاه با هم باشند و صحبت کنند به روابط پنهانی منجر نمی‌شود. چون روابط پنهان یک عواقبی دارد که روابط آشکار ندارد... هر چه قدر از عرصه عمومی این‌ها خارج شوند بدتر است. دختر و پسر رستوران نروند، کافی‌شاپ نروند. وقتی این‌ها در جمع می‌گویند و می‌خندند، انرژی‌شان تخلیه می‌شود، اما وقتی به روابط زیرزمینی می‌کشند، به جاهایی باریک‌تر می‌کشند، هیچ امنیت و نظارتی ندارد. این اعتیاد هم که زیاد می‌شود. این محفل‌های خصوصی هست که به این‌جا منجر می‌شود (متخصص دهم).

در مقابل، فرایندهای جداسازی دو جنس و تمایزبخشی به آنان با ارجحیت مردان در عرصه‌های اجتماعی و نیز اقتصادی، تمرکز بر دستاوردهای زنان در خلال محدودیت‌های به شکل تاریخی موجود، به منظور اثبات توان‌مندی آنان از دیگر موضوعات نیازمند بررسی است. بنابراین، یکی از اولویت‌های پژوهشی مطالعه نقش‌های اجتماعی زنان، مناصب و پایگاه‌های شغلی و روند پژوهی فعالیت‌های آنان در بازار کار است.

در کنار این، نمایش این‌که زنان چه قدر در عرصه عمومی قدرت‌مند هستند، چه قدر خوب هستند، ببینید من الان در یکی از کارهایی که خودم دارم انجام می‌دهم، زنان در مشاغل به اصطلاح مردانه مشغول به کارند؛ یعنی در جاهایی دارند کار می‌کنند که تا حالا در انحصار مردها بوده است؛ از کارخانه گرفته تا پتروشیمی تا معدن. بعضی‌ها معدن‌دار هستند. این‌که مثلاً در عقد قراردادها، مسائل حقوقی و اقتصادی زنان بسیار خوب کار می‌کنند (متخصص اول).

۵.۱.۳ آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی

هرچند بر سر تعاریف و مقوله‌بندی مشکلات و آسیب‌های اجتماعی، مانند سایر کشورها توافق قطعی وجود ندارد، اما فصل مشترک همه مسائل در آن است که همه‌شان پدیده‌هایی

نامطلوب بوده و افکار عمومی جامعه و نخبگان را به خود مشغول داشته و نوعی وفاق و آمادگی جمعی برایشان پدید آمده است (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۱). پیچیدگی مباحث مذکور، از این نکته مهم برمی‌خیزد که حل برنامه‌های کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی از کمبود منابع مالی، نیروی انسانی و سایر منابع محدودتر از طیف گسترده مشکلات رنج می‌برد و دوم آن‌که برخی افراد یا گروه‌های اجتماعی بیش از سایر گروه‌ها و افراد در معرض پیامد و آثار سوء این مشکلات بوده‌اند. بنابراین، برنامه‌های کنترل و کاهش مشکلات اجتماعی باید آنان را در اولویت پوشش خود قرار دهد. بنابراین، با توجه به روند رو به رشد برخی مشکلات بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده (قهاری، ۱۳۸۳) و افزایش شیوع مشکلات اجتماعی در گروه‌های سنی پایین‌تر (نارنجی‌ها، ۱۳۸۴) توجه جدی به مشکلات اجتماعی در ایران ضرورت دارد. پژوهش‌گران متخصص ما در این زمینه به موارد ذیل اشاره داشته‌اند. متخصص دهم درباره پیچیدگی مطالعه روستایی‌گری و تحولات اخیر آن، از جمله کاهش سن فحشا و نیز لزوم مطالعه جنسیتی بازار عرضه و تقاضای آن، می‌گوید:

همین سن فحشا که می‌گویند، خیلی کار مشکلی است؛ یعنی برخی از موضوعات هست که واقعاً سنجش آن مشکل است و با یک کار تحقیقاتی که با ده نفر بروید مصاحبه کنید نمی‌توانید به جمع‌بندی برسید که! ... بحث این‌که می‌گویند سن فحشا در خانم‌ها پایین آمده، دخترها از راهنمایی سوق پیدا می‌کنند. خب این‌ها مطالعه است دیگر. ما باید ببینیم که چرا سن فحشا پایین آمده. من در مقاله‌ای در مجله زنان نوشتم و گفتم ببینید زن روستایی تا مردی متقاضی نباشد که زن روستایی نمی‌شود. پس چرا ما نمی‌آیم روی مردهای روستایی کار کنیم، مرد روستایی هم می‌شود دیگر (متخصص دهم).

اعتیاد به مواد مخدر و نیز مصرف مشروبات الکلی در میان زنان از جمله اولویت‌های پژوهشی است که جای مطالعه دارد.

یک انگ می‌زنند به زن می‌گویند روستایی. همین پریشب یک برنامه در تلویزیون بود راجع به اعتیاد صحبت می‌کرد و می‌گفت مردهای معتاد بیمار هستند، ولی زن‌های معتاد منحرف‌اند! خوب اعتیاد در زن‌ها دارد بالا می‌رود، میزان اعتیاد به سیگار در زن‌ها خیلی دارد بالا می‌رود، مشروب هم زیاد شده (متخصص دهم).

پدیده اسفناک فرار دختران خود موجب چرخه مصیبت‌بار قاچاق آنان است. نادیده انگاشتن و پنهان‌کاری نه تنها به کاهش نرخ وقوع آن منجر نشده، بلکه حتی با ارائه تصویری نادرست و غیرواقع موجبات کوچک‌انگاری و حتی غفلت از اجرای رویه‌های بازدارنده یا جلوگیری از تشدید آن را فراهم می‌آورد:

در حوزه آسیب‌ها من معتقدم انسان‌شناسی خیلی گسترده است؛ یعنی می‌تواند وارد هر حوزه‌ای بشود. مثلاً کسانی که حاشیه‌ای هستند، کسانی که آسیب‌های غیر متعارفی برایشان رخ داده است. مثلاً روسپی‌گری یکی از آن‌ها می‌تواند باشد. یا در مورد دختران فراری، که من به عنوان یک مردم‌شناس بلد هستم و می‌فهمم این نیست که در رسانه گفته می‌شود. مثلاً برنامه‌ای در رادیو از این قرار بود که دخترخانمی دعواش شده و از خانه رفته و شب خوابیده خانه دوستش. بعد آمده خواسته از والدینش که در را باز کنند. بعد این جایش جالب است که پدر خانواده باعث می‌شود که مادر در را باز نکند. بعد که متوجه می‌شود مادر با آیفون دارد با دخترش صحبت می‌کند، شروع می‌کند به کتک زدن او. بعد خانم همسایه می‌آید و این دختر را به خانه خودش می‌برد. این داستان اصلاً جزو دار و دسته دختران فراری محسوب نمی‌شود. دختر فراری از نظر من کسی هست که الان در این شهرهای خلیج فارس داره کار می‌کنه؛ منظورم روسپی‌گری در کشورهای خلیج فارس است. خب او در واقع دختر فراری است. او برگردد خانه با او می‌خواهی چه کنی؟! (متخصص ششم).

هرچند به دلیل داشتن قدرت بدنی اعمال خشونت به مردان نسبت داده شده است و مطالعات چرخه خشونت، چرایی، میزان و نتایج آن بر زنان و کودکان پیش‌تر انجام شده است، اما مطالعه جنسیتی خشونت از نظر اطلاع‌رسان‌های شرکت‌کننده در این تحقیق لازم به نظر می‌رسد.

مثلاً خشونت، که هم برای زنان می‌تواند باشد و هم برای مردان، اما شاید تصور باشد که علیه زنان بیش‌تر است. به لحاظ قواعد حقوقی، که برای مردان وجود دارد که مثلاً مرد اختیار دارد و می‌تواند زور بگوید. این‌جا باید روی توان‌مندی زنان بیش‌تر کار بشود (متخصص هفتم).

۶.۱.۳ سبک زندگی

از جمله پیامدهای تغییرات اجتماعی ایران در سال‌های گذشته، اهمیت یافتن سبک زندگی و نیز مصرف در حکم محمل بروز کنش و منش‌های فردگرایانه، دربردارنده انگاره‌های هویتی بر حسب تمایلات کنش‌گران و فرصتی برای خلاقیت آنان است. بنابراین، مصرف دیگر صرفاً وجهی معیشتی ندارد. مصرف‌گرایی در کنار کاربرد رسانه‌ها، با بهره‌گیری از آخرین ابزارهای ارتباطی، گرایش‌ات سبکی متنوع و بی‌سابقه‌ای را رقم می‌زند؛ گرایش‌اتی که در سطح کنش، گاه در موضع مقابل ارزش‌های نظام اجتماعی سیاسی حاکم است.

چیزی که الان مسلم است این است که خانواده کوچک شده. تعداد فرزندان خیلی کم شده است. تحصیلات دانشگاهی بین خانم‌ها افزایش پیدا کرده و گرایششان به فعالیت اجتماعی

بیش تر شده است. از آن طرف، ما سبک‌های زندگی مدرن را، که اساسش مادی‌گرایی، اومانیسیم خودبنیاد و خلاصه خدا کنار رفته است که بگوید: «بنده من چه کار کن و چه کار نکن». همین متخصصان، روان‌شناسان و عالمان می‌گویند: «حالا امروز این کار را بکن، فردا آن کار را؛ مدیست‌ها. سنت دینی ما، که باید راهبری جامعه را در دست می‌گرفت، متأسفانه قوت خودش را از دست داده است یا این‌که عده‌ای خوب عمل نکردند و متأسفانه همه خانم‌های ما و آن خانم‌های تحصیل‌کرده، که در این شرایط زندگی می‌کنند، در معرض آشنایی و ترکش‌های این سبک‌های مدرن زندگی قرار گرفتند. سبک زندگی که مدام می‌گوید چه‌طور بپوش؟ چه‌طور بخور؟ چه‌طور از طریق مصرف‌احراز هویت کن. حواسمان هم نیست که کلمه سبک زندگی را با دین خیلی نمی‌شود جمع زد. دین برای خودش گزینه‌هایی که برای عبد می‌دهد، خیلی گسترده نیست. اصلاً هم اساسش با این مصرف‌گرایی بی‌رویه نمی‌خورد؛ یعنی در مبنا انسان دینی هویتش را از جای دیگری کسب می‌کند. متأسفانه چیزی که در جامعه ما رایج شده است، در رسانه‌هایمان هم همین‌طور، این است که اصلاً نفهمیدند که این‌ها مبناهایشان با هم فرق می‌کند. در تلویزیون و از آن طرف، [ماهواره] خیلی دارد کار می‌شود (متخصص چهارم)

متخصص دهم به روی دیگر سبک زندگی، یعنی مصرف‌گرایی اشاره داشته و آن را موجب کاهش ضریب پایداری خانواده می‌داند:

مادی‌گرایی، که در خانواده‌ها زیاد شده و این مادی‌گرایی دارد تیشه به ریشه خانواده‌ها می‌زند. مصرف‌گرایی وقتی طرف می‌آید یک توقعاتی دارد. خب پسر دلش می‌خواهد ازدواج کند، سر و سامان بگیرد. سراغ هر دختری می‌رود، هر خانواده‌ای یک سنگی را می‌اندازند جلوی پاش که این ناگزیر می‌شود که متوسل بشود به دروغ. مثلاً من این را دارم، وقتی ازدواج می‌کنند دختره می‌بیند که این را ندارد، می‌آید تقاضای طلاق می‌کند (متخصص دهم).

مطالعه تطبیقی سبک زندگی نیز می‌تواند پژوهش و بررسی شود:

نظریه‌ای نداریم که بگوید سبک زندگی مردم در خاورمیانه این است، ایران یک همچین مدلی دارد. گرچه ما جدا از دنیا نیستیم. منتهی می‌توانیم بخشی از چیزهایمان که مربوط به خودمان می‌شود بررسی کنیم. ما در این‌ها شناختی نداریم و ناچاراً در بی‌شناختی هم حکم می‌کنیم (متخصص هفتم).

۷.۱.۳ مهاجرت

از جمله پدیده‌های اجتماعی کلان مهاجرت است. مطالعات جنسیتی مربوط به مهاجرت در شکل روندهای ملی و فراملی در حکم اولویت پژوهشی توجه خاصی را می‌طلبد.

مسئله زنان در بحث مهاجرت خیلی مهم هستند. شما فرض کنید جریان مهاجرت از روستا به شهر، که کشور ما در دهه‌هایی با آن بسیار مواجه بود، باعث می‌شد که پسرها پیش‌تر از روستاها به شهرها مهاجرت کنند و دخترها بمانند. این‌ها را با مضمیق ازدواج مواجه می‌کند و در واقع، تجردشان افزایش پیدا می‌کند. این یک مثال است و یا اگر خانواده می‌ماند و همسر برای کار مهاجرت می‌کند، سرپرست این خانواده کیست؟ خانمی که باید با مشکلات مختلفی دست و پنجه نرم کند. یا این‌که اگر خانم‌هایی به شهرهای دیگر مهاجرت می‌کنند، آن‌ها هم مسائل خیلی خاص خودشان را دارند. شما فرض کنید دختری که ازدواج نکرده، اما درسش را خوانده است و تصمیم می‌گیرد در همان شهر محل تحصیل یا شهرهای دیگر کار پیدا کند، کجا زندگی کند؟ چه آسیب‌هایی او را تهدید می‌کند؟ چون جریان‌های مهاجرتی ما مدام دارد تغییر می‌کند. من از آن‌جا شروع کردم که از روستا به شهر بود و حالا از شهری به شهر دیگر. این‌که زن‌ها خودشان دارند خواستار تغییر می‌شوند، خانم‌هایی می‌گویند برویم و حتی من شنیده‌ام که مواردی طلاق افتاده است که خانم می‌خواهد به خارج مهاجرت کند، اما همسرش نمی‌خواهد. این‌ها از یک‌دیگر جدا می‌شوند که خانم بتواند به خارج مهاجرت کند. وقتی می‌روند، چه اتفاقی می‌افتد؟ به کسانی که مهاجرت می‌کنند دیگر دسترسی نداریم؛ یعنی سیستم ثبت احوال ما جوری نیست که بتوانیم آمارگیری دقیق داشته باشیم. ما اصلاً نمی‌دانیم چه تعداد مهاجر از کشور خارج و چه تعداد وارد می‌شود؟ این مطالعات را بیشتر می‌شود در کشورهای مقصد انجام داد. مثلاً در کشوری که ایرانی‌ها زیاد به آن‌جا مهاجرت کرده‌اند می‌شود رفت از آن خانواده‌ها پرسید چه کسی گفت مهاجرت کنید؟ حالا که به این‌جا آمده‌اید چه اتفاقی افتاده است؟ انتظاراتتان چقدر برآورده شد؟ چه مشکلاتی دارید؟ اما من می‌دانم که این مطالعات در خارج از کشور انجام نمی‌شود؛ یعنی به چشم نخورده است. حالا یا خیلی خیلی کم است یا [مکت] (متخصص سوم).

روندهای جنسیتی مهاجرت به شهرهای کلان و زمینه‌ها و پیامدهای آن نیز ذیل عنوان اصلی مهاجرت بسترهای مطالعاتی جدیدی می‌گشاید.

بعد با باز شدن درهای دانشگاه به روی دخترانمان که در اکثر نقاط کشور، آزاد و پیام نور است، این‌ها می‌روند تحصیل می‌کنند. من به عینه با آن‌ها برخورد داشتم؛ حتی دانش‌جوهای دانشگاه تهران که از شهرستان می‌آیند. این‌ها مشکلی که بعداً دارند: این دختر روستایی که کشاورزی می‌کرده بالطبع کشاورزی‌اش را ادامه می‌دهد. حالا چه ازدواج بکند، چه ازدواج نکند. ولی دختری که دیپلم و لیسانسش را می‌گیرد این دیگر چه می‌شود؟! این اصلاً دیگر دنیای روستا برایش کوچک است و مجبور است مهاجرت بکند به شهر یا شهرهای بزرگ به خصوص. ما این معضل را درباره دخترانمان داریم (متخصص دهم).

۸.۱.۳ مطالعات فرهنگی زنان

مقوله اصلی پژوهشی دیگر، مطالعات فرهنگی زنان و مشتمل بر مطالعه انتقادی متون کالاهای فرهنگی، اعم از متون رسانه‌ای و نیز محتوای کتب درسی از منظر جنسیتی، مخاطب‌پژوهی پیام‌های رسانه‌های ملی و فراملی است.

یعنی به مخاطب زیاد نپرداخته‌اند. حالا مخاطب زن چه ویژگی‌هایی دارد؟ مخاطب مرد چه ویژگی‌هایی دارد؟ یا به تولیدکنندگان آثار هنری کم‌تر توجه شده است. یا قرائت مخاطبان زن با مرد چه تفاوت‌هایی دارد؟ ... کلاً مطالعه روی مخاطب قسمت مشکل کار است. بنابراین، اکثر کسانی که می‌خواهند کار تحقیقی انجام دهند، خیلی به دنبال مطالعه مخاطب نمی‌روند. چرا؟ به این خاطر که باید وارد جامعه بشوید و اعتماد یک عده آدم را جلب کنید، بعد سؤالات خودتان را از آن‌ها پرسیده و تحقیق را انجام دهید. روشن است که راحت‌تر این است که سریال یا فیلم قبلاً پخش شده را انتخاب کنید، CD آن را بگیرید و اگر هزار بار هم لازم باشد، ببینید و آن را تحلیل کنید. در این صورت، متن حاضر و آماده است (متخصص پنجم).

در مورد سریال‌های جدید مهم است کار انجام شود که پیام آشکار و ضمنی که می‌دهند چیست؟ اصلاً مضامینی که می‌دهند چیست؟ چه الگویی را از زن دارند بازنمایی می‌کنند؟ تبلیغات کار بشود، تبلیغات چه چیزهایی را برای زندگی مطلوب جلوه می‌دهد؟ (متخصص چهارم).

آموزش و پرورش اول از همه: محتوای کتاب‌های درسی. سیاست‌گذاری‌های آموزشی [مکتب] آموزش و پرورش و فرهنگ‌سازان کتاب‌های کودکان. برای مثال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، رسانه‌ها، رادیو و ... در همه حوزه‌ها؛ هم ادبیات و هم ادبیات آموزشی (متخصص دوم).

ایجاد بانک‌های اطلاعاتی به تفکیک جنس، از جمله مهم‌ترین حوزه مطالعاتی است. هرچند در برخی موارد آمار جامعی وجود دارد، اما لازم است داده‌ها بر حسب جنس پردازش شوند و اطلاعات به صورتی مستند و قابل ارجاع در دسترس متخصصان مرتبط قرار گیرد:

اگر سؤال شما می‌خواهد به این منتهی شود که چه اولویت‌هایی را برای مطالعات جامعه‌شناسی در موضوع زن می‌شود در نظر گرفت، من فکر می‌کنم یکی از اولویت‌های اصلی ما تولید اطلاعات پایه است؛ یعنی چیزی شبیه آمار سرشماری زنان هنرمند، نقاش، نویسنده (متخصص پنجم).

۹.۱.۳ مطالعات نظری

در کنار تحقیقات میدانی، انجام تحقیقات نظری نیز ضرورت دارد. این تحقیقات شامل

مبانی نظری جامعه‌شناسی زنان، معرفی و تحلیل نظریه‌های فمینیسم پسااستعمار و نیز مطالعه انتقادی سنت‌های اجتماعی جنسیتی جاری منسوب به آموزه‌های دینی است:

مثلاً پیشنهاد می‌کنم یکی از موضوعاتی که می‌تواند برای مطالعه جالب باشد، مطالعه برخورد‌های شرق‌شناسی، نه صرفاً فمینیستی، یعنی بخشی از فمینیسم گره‌خورده با شرق‌شناسی و نواستعمارگرایی [است]. این نوع فمینیسم مثلاً کلی از زنان سیاه‌پوست امریکا نقد دارند به فمینیسم. آن هیچ‌وقت در ایران بررسی نمی‌شود (متخصص نهم).

بخش مهمی از آن هم به بررسی آموزه‌های دینی اصیل برمی‌گردد که باید استخراج کنیم. چیزهایی به ما می‌دهند که از متون اصیل نیامده است، باید پژوهش‌های اسنادی شود که از متون اصیل، از قرآن روی آن کار می‌شود که این‌ها چه هویت‌هایی، چه نقش‌هایی برای زنان و مردان ترسیم می‌کنند. در زندگی شخصی بدون سوگیری، آسوه‌های ما کار شود. چرا ما نمی‌توانیم زن بهتری داشته باشیم؟ بعضی احکام مخصوص خانم‌هاست. وقتی تو تجربه زیسته نداشته باشی، چه‌طور می‌توانی راجع به آن نظر بدهی؟ چرا شورای فقه‌ای نداشته باشیم؟ اگر شما می‌گویید زن ناقص‌العقل است، خیلی خب! بنشینید هم‌دیگر را تکمیل کنید. شورای فقه‌ای داشته باشیم (متخصص چهارم).

نقد و بررسی نظریات جامعه‌شناسی در حوزه زنان و مسئله زن بودن در جامعه ایرانی؛ یعنی بررسی مسائل زنان در چهار خرده‌سیستم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، آموزشی و این‌که هرگاه در یکی از این خرده‌سیستم‌ها تغییری به وجود آورد تغییر در دیگر خرده‌سیستم‌ها ایجاد نشود دچار عدم تعادل و در نتیجه افزایش روزافزون آسیب‌های اجتماعی، مانند خودکشی، فرار از خانه و تجاوز خواهیم بود؛ چراکه تا این حوزه‌ها دقیق مورد توجه قرار نگیرد، ما گرفتار چهارچوب‌های جامعه‌شناختی می‌شویم که ادعا می‌کند فراجنسیتی است (متخصص هشتم).

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال استخراج اولویت‌های پژوهشی از منظر پژوهش‌گران متخصص علوم اجتماعی زنان انجام شد. در این راستا، روایت متخصصان به استناد سابقه علمی، تجربه کار پژوهشی و رصد مسائل اجتماعی زنان منحصر به فرد دانسته شده و موضوع بررسی قرار گرفت. با توجه به این زمینه‌ها باید گفت، تغییرات اجتماعی در دهه‌های اخیر موجب شده تا نگرش افراد و نیز کرد و کارهای آنان دست‌خوش تحولات جدی شود. یکی از حوزه‌هایی که به نظر می‌رسد عمیق‌ترین تحولات را تجربه کرده جنسیت است. منظور از تغییر اجتماعی در این‌جا هر نوع اصلاح، تعدیل یا دگرگونی است که در سازمان‌دهی تشکیلاتی و طرز عمل زندگی اجتماعی به وجود می‌آید (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۱۹۹).

یافته‌ها نشان می‌دهد متخصصان با درک تغییرات اجتماعی پرسرعت چند دهه گذشته و تحول کرد و کارهای جنسیتی بر موضوعاتی مانند سیاست‌گذاری، اشتغال، تفکیک جنسیتی، خانواده، آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی، سبک زندگی، مهاجرت، مطالعات فرهنگی زنان و مطالعات نظری در قالب موضوعات پژوهشی در اولویت تأکید دارند. آنان مجموعه این تحولات را با قوانین و سیاست‌گذاری‌های محدودیت‌آفرین، که نگاهی گذشته‌نگر به دین دارد، ناهم‌خوان می‌دانند. در حالی که حضور زنان در عرصه آموزش، به‌ویژه آموزش عالی، ایجاد فرصت‌های شغلی هماهنگ با پتانسیل‌های آنان را می‌طلبد و تلاش‌هایشان در عرصه‌های آموزشی و نیز طرح مطالبات، فراخوانی است به دیده شدن، اهمیت دادن، سیاست‌گذاری در راستای تقویت موقعیت آنان و نیز اجرای برنامه‌های توان‌مندسازی. از نظر متخصصان علوم اجتماعی مشارکت‌کننده در این تحقیق، فقدان بازنگری در قوانین، اجرای برنامه‌های تفکیک جنسیتی و نیز بی‌میلی در ایجاد فرصت‌های شغلی امن و در عوض، انقباض جنسیتی بازار کار بر تضعیف موقعیت زنان و فرودست‌شماری آنان دلالت دارد. به زعم آنان، لطمات این جریان علاوه بر زندگی زنان، با وارد کردن هزینه‌های متفاوت، حیات خانواده را به مخاطره کشانده و کشور را از دستیابی به توسعه پایدار در بازه زمانی مطلوب بازمی‌دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این پژوهش حاصل طرح موظف نویسنده در پژوهشگاه علوم انسانی است.
۲. در علوم پایه، از جمله می‌توان به سند چشم‌انداز توسعه علوم پایه اشاره کرد. در علوم انسانی نیز تلاش‌هایی در راستای تحقق این امر صورت گرفته است که از جمله می‌توان از کنگره ملی علوم انسانی یاد کرد.
۳. رژیم از ریشه لاتین Regimen و به معنای عمل هدایت کردن گرفته شده و بیان‌گر اندیشه هدایت، حکومت، شیوه رهبری خویشتن یا رهبری شدن و نیز به معنای تحقق عملی و تاریخی نظامی خاص است (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۵۷۶). ساروخانی می‌نویسد: «رژیم با نظام از آن رو تفاوت دارد که نه تنها پیوند یا سازمان نظری یک مجموعه را در نظر دارد، بلکه متوجه شیوه‌های کم و بیش کامل سازمان‌دهی عینی و واقعی آن نیز است» (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۶۷۴).
۴. توضیح آن‌که سایر مطالعات اجتماعی نیز بر این مهم صحنه می‌گذارند؛ از جمله یافته‌های پژوهش رفیعی و هم‌کاران مبتنی بر اولویت‌یابی از منظر ۴۱ تن از متخصصان مرتبط، به روش دلفی و نیز مقایسه آن با نتایج دو مطالعه بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال‌های

۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ نشان می‌دهد دو مشکل بی‌کاری و اعتیاد در میان سه مشکل نخست فهرست مشکلات اجتماعی در اولویت قرار دارند (رفیعی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۰۴). مطالعه اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران (معمدی، ۱۳۸۶) حاکی از تأکید بر دو مشکل بی‌کاری و اعتیاد به منزله مهم‌ترین مشکلات اجتماعی بوده است.

منابع

- آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد (۱۳۸۳). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار.
- بهجتی و دیگران (۱۳۸۴). «ضرورت بررسی ابعاد مختلف سقط جنین در ایران»، *باروری و ناباروری*، س ۶، ش ۴.
- رفیعی، مدنی و واقمی (۱۳۸۷). «مشکلات اجتماعی در اولویت ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، ش ۱ و ۲.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *دائرةالمعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
- سرایی، حسن (۱۳۷۵). *مقامه‌ای بر نمونه‌گیری*، تهران: سمت.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳). *طرح مسئله اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت‌ها در مسائل اجتماعی ایران*، تهران: آگه.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۴). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قهراری، حسین (۱۳۸۳). *بررسی آسیب‌های اجتماعی در ایران*، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۶). «بررسی و نقد تحقیقات و مطالعات زنان در ایران»، همایش زن و پژوهش.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- معمدی، هادی (۱۳۸۶). «اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران»، *فصل‌نامه رفاه اجتماعی*، س ۶، ش ۲۴.
- نارنجی‌ها، هومن و دیگران (۱۳۸۴). *ارزیابی سریع وضعیت سوء مصرف و وابستگی به مواد در ایران (نیمه دوم سال ۱۳۸۳)*، مؤسسه داریوش و دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

منابع دیگر

- Denzin, Norman K. (۲۰۰۷). *Collecting and Interpreting Qualitative Materials*, Sage Publication.
- James A. Holstein (۲۰۰۳). *Inside Interviewing: New Lenses, New Concerns*, Sage publication.
- Ritchie J and J. Lewis (۲۰۰۳). *Qualitative Research Practice*, London: Sage.
- Ritchie, Jane (۲۰۰۳). *Qualitative Research Practice: A Guide for Social Science Students and Researchers*, sage publication.
- Silverman, David (۲۰۰۱). *Interpreting Qualitative Data: Methods for Analysing Talk, Text and Interaction*, sage publication.